

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال پنجم، شماره‌ی بیستم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۸۵-۱۰۲

## تبیین جایگاه میناس؛ نقاشی ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران

مه‌دی علی‌اکبرزاده\*

### چکیده

از قرن هفدهم میلادی، ارمنه در ایران، از نظر تجاری و اقتصادی، همچنین فرهنگی و هنری تأثیرات مهم و اساسی بجای گذاشتند. این مقاله، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با نگاهی به تاریخ نقاشی ارمنه ایران به تبیین جایگاه میناس؛ نقاشی ارمنی قرن هفدهم میلادی، در نقاشی ایران پرداخته است. یافته‌های این مقاله، گویای این مطلب است که میناس به عنوان یک نقاش ایرانی - ارمنی در ورود نقاشی اروپایی به ایران، چهره‌نگاری‌های بزرگ اندازه با رنگ روغن، تعلیم استاد رضا عباسی و تأکید او بر حضور نقاشی در زندگی اجتماعی، شخصیتی موثر در تاریخ نقاشی ایران به شمار می‌رود. هدف این مقاله بررسی جایگاه این نقاش گمنام، در تاریخ نقاشی ایران و آگاهی از توانمندی‌ها و تأثیرات او در شکل‌گیری نقاشی ایران در قرن هفدهم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: میناس، نقاشان ارمنی، تاریخ نقاشی ایران، نقاشی دوره صفوی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

\* دانشجوی دکتری تاریخ هنر دانشگاه دولتی ایروان، ارمنستان. ایمیل: (Mahdi\_ali1@hotmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۲۲ - تاریخ تأیید: ۹۳/۰۴/۲۳

## مقدمه

برخی اسناد، و شواهد تاریخی گویای این واقعیت است که ارامنه‌ی ایران از دیر باز، آفریننده ارزش‌های فرهنگی و هنری زیادی بوده‌اند. بخشی از این ارزش‌ها را آنان با خود از ارمنستان به ایران آورده و در رشد و توسعه و نگهداری آنها تلاش نموده‌اند، بخش دیگر حاصل تاثیرپذیری آنها از فرهنگ و هنر ایران زمین بوده و بخش دیگر نیز محصول ذهن خلاق و تلاشگر آنان بوده است. به گونه‌ای که آن‌ها فرهنگ و هنر جدیدی در ایران بنا کرده و سلايق و سبک‌های نویی پدیدار ساختند. هنرمندان ارمنی ایرانی با تاثیر از فرهنگ و هنر ایرانی، گونه‌های مشترک خلاقانه را از ایرانیان برگرفته و سازمان دهنده‌ی فکر و ایده‌های هنری جدیدی شده‌اند. سابقه‌ی ارامنه با فرهنگ تجدد و شکوفایی ایران، آنچنان گره خورده است که بررسی مسیرگذر از جهان سنت به عالم معاصر، بدون ذکر نام شماری از ایشان ورق نمی‌خورد. در حوزه‌های مختلف، از آنجا که این دودمان از ایرانیان به سبب قرابت مذهبی با اروپائیان روابط نزدیک‌تری با مغرب زمین داشتند، امکان انتقال فرهنگ، هنر و علوم مختلف را به ایران فراهم کردند.

نقاشی به عنوان یکی از هنرهای رایج در قرون هفدهم و هجدهم، در شکل‌گیری تعاملات بین اقوام ارمنی ایرانی و ایرانیان غیر ارمنی نقش بسزایی داشته است. در همان دوره، با ارزش‌گذاری در ترسیم پرده‌های بزرگ اندازه، خصوصاً در خانه‌های اعیان و کاخ‌ها، فصل تازه‌ای از این اهتمام تاریخی به چشم می‌خورد. یکی از نقاشان مطرح در این دوره؛ میناس می‌باشد، که با استعداد و توانمندی خاصی در تغییر نگرش جامعه به نقاشی و همچنین ایجاد تبادل با مغرب زمین موفق بوده است.

مانیا قازاریان در کتاب *هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های هفدهم و هجدهم*، ضمن ارائه‌ی مطالبی تاریخی و مستند از نقاشان معروف ارمنی آن دوران، در یک بخش مجزا، زندگی، آثار و جایگاه میناس را مورد بررسی قرار داده است. در این اثر، سبک کاری میناس و چگونگی تلفیق نقاشی ایرانی با اروپایی بطور مستند مطرح شده است. همچنین هراند قوکاسیان، نویسنده ارمنی در مقاله‌ای با عنوان «هنر و فرهنگ ارامنه ایران» از میناس به عنوان نقاشی توانمند و تحول‌نگر یاد کرده است. آندرانیک هوویان نیز در کتاب *هنرمندان ارمنی ایران در بخش خاصی، میناس نقاش را به تفصیل مطرح کرده است.*

تبیین جایگاه میناس، نقاش ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران ۸۷

یکی از محققین معاصر ارمنی؛ لئون میناسیان، در مقاله‌ای تحت عنوان «استاد میناس نقاش مشهور جلفا»، ضمن معرفی کامل سبک و تکنیک‌های کاری میناس به بیان ویژگی‌های شخصیتی و هنری او پرداخته است. همچنین ایشان در مقاله‌ی دیگری با عنوان ذکر رضا عباسی در اسناد ارمنی به سندهای تاریخی و معتبر اشاره می‌کند که آنها را در بایگانی موزه وانک یافته، به طوری که در آن‌ها جایگاه میناس در دربار شاهان صفوی هم‌عصرش مطرح شده است. یکی دیگر از منابع مهم تحقیقی، مطالعاتی است که خانم امیلیا نرسیسیانس با عنوان مردم‌نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان، انجام داده است و در آن به تشریح جایگاه میناس به عنوان نقاش مشهور و موثر ارمنی پرداخته است. همچنین ایشان در مقاله‌ی دیگری با عنوان «تاثیر تجارت بر توسعه هنر نقاشی جلفای اصفهان در عصر صفوی»، با اختصاص بخش خاصی به میناس، قلم قوی و توانمند او را در ثبت بیان طبیعی و زنده‌ی موضوعات مطرح کرده است. مع الوصف، این مقاله ضمن بررسی جایگاه میناس در تاریخ نقاشی ایران با مطالعه در سبک و تکنیک‌های کاری، برخی از تاثیرات ایشان را در سده‌های یاد شده مطرح می‌نماید. از جمله مواردی که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود، عبارتند از: آشنایی با شخصیت کاری میناس، بررسی سبک و تکنیک‌های آثار میناس، آشنایی با نظرات و استعدادهای خاص میناس و بررسی برخی تاثیرات و ابداعات میناس. این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده و کلیه منابع اطلاعاتی به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

### نقش ارمنیان در تاریخ تحولات فرهنگی و هنری ایران

قرون هفدهم و هجدهم میلادی، جلفای اصفهان مهد علم و دانش ارمنه ایران بود و در آنجا، جمع کثیری از هنرمندان و دانش‌پژوهان گردهم جمع می‌شدند و به فعالیت‌های هنری و فرهنگی می‌پرداختند. «در دهه‌ی سوم قرن هفدهم به سعی و اهتمام خلیفه خاجاطور کساراتسی؛<sup>۱</sup> (وفات ۱۶۴۶)، پیشوای مذهبی ارمنه جلفا، مکتب عالی (مدرسه‌ی دینی) افتتاح شد. مکتبی که در تاریخ و تمدن و فرهنگ ارمنه به منتهای شکوفایی رسید و نام دانشگاه به خود گرفت. [...] از مکتب خاجاطور کساراتسی افرادی فارغ‌التحصیل گردیدند

---

1. Khachatoor kesaratsi

که هر کدام منشاء خدمات شایسته شدند و در تاریخ تمدن و فرهنگ ارمنه، چهره‌های درخشان به شمار می‌رفتند. آثاری که بدست هنرمندان ارمنی به‌ویژه در زمینه نقاشی‌های دیواری و مینیاتور آفریده شده است، به نوبه خود چشمگیر محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup>

نقش تجار و بازرگانان ارمنی در ایجاد ارتباط با سایر کشورها و به تبع آن ایجاد زمینه‌های تاثیرگذاری و ارتباطات هنری در سده‌ی هفدهم، نکته‌ی حائز اهمیت است. «بازرگانان ارمنی حداقل پنجاه سال پیش از آنکه شاه‌عباس صفوی گروه کثیری از ارمنیان را به مرکز ایران (اصفهان) کوچ دهد، از طریق شیراز با هندوستان و خاور دور تجارت می‌کردند. پس از استقرار ارمنیان در جلفای اصفهان، بازرگانان ارمنی کالاهای ایران و هندوستان را به سراسر جهان صادر می‌کردند.»<sup>۲</sup> همچنین آنان «در میان کالاهای گوناگونی که از اروپا به ایران می‌آوردند، پرده‌های رنگ روغنی نیز وجود داشت. نه فقط ثروتمندان ارمنی، بلکه شاه و درباریان صفوی، خواستار چنین نقاشی‌هایی بودند. همچنین اغلب کلیساهای جلفای نو به روال اروپایی با دیوارنگاره‌های طبیعت گرایانه تزئین شدند.»<sup>۳</sup>

وجود این توانمندی در تجار ارمنی ضمن این‌که طبق اسناد تاریخی، مورد اطمینان شاه عباس بودند؛ باعث برقراری ارتباطات هنری ایران با کشورهای اروپایی شدند. جالب اینجاست که «بازرگانان ارمنی در این زمان اغلب نقش هیات‌های نمایندگی سیاسی ایران در خارج را نیز ایفا می‌کردند. زیرا به زبان‌های خارجی و با رسم و رسوم اروپایی‌ها آشنایی داشتند.»<sup>۴</sup> بنابراین در جریان بررسی نقش ارمنیان در تاریخ هنری ایران، می‌توان با رعایت انصاف، اذعان داشت که مرور هنر ایران بدون شناخت و ارزیابی هنرمندان ارمنی مقدور نیست.

امیلیا نرسیسیان، مردم‌شناس و پژوهشگری که هنر ارمنه ایرانی را با عنوان

۱. هراند قوکاسیان، «هنر و فرهنگ ارمنه ایران»، مجله ارمنان، ش ۵، ۱۳۵۲، ص ۳۴۸.

۲. آندرانیک هوویان، (۱۳۸۰)، *ارمنیان ایران*، تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها - هرمس، ص ۲۷۶.

۳. رویین پاکباز، (۱۳۸۶)، *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، تهران: زرین و سیمین، ص ۱۳۴.

۴. ژانت د. لازاریان، (۱۳۸۲)، *دانشنامه ایرانیان ارمنی*، تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها - هیرمند،

تبیین جایگاه میناس، نقاش ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران ۸۹

مردم‌نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان مورد بررسی قرار داده است، این تاثیرگذاری فرهنگی و هنری را چنین شرح می‌دهد: «تاجران متمول ارمنی از خرج کردن پول برای زیستگاه خود، ابا نداشتند؛ خانه‌های مجللی برای خود احداث می‌کردند و در آن پذیرای مقامات رسمی مملکت بودند. تجار متمول به اروپا سفر می‌کردند و از نزدیک با هنرمندان و آثار بزرگان نقاشی اروپا آشنا می‌شدند. به علت وضع مالی می‌توانستند در خانه‌های مزین به نقاشی زندگی کنند. جامعه‌ی مدنی تجار ارمنی، قدرت پشتیبانی قابل مقایسه و حتی فراتر از حمایت‌های دربار صفوی را برای نقاشان قرن هفدهم جلفای اصفهان از طریق ایجاد تقاضا برای آثارشان فراهم ساختند»<sup>۱</sup>.

در همین دوران اصفهان با سیمای شکوهمند، جمعیت زیاد، و رونق اقتصادی بی‌سابقه‌اش، به مرکز تجمع بازرگانان، جهانگردان، سفیران سیاسی، مبلغان مذهبی و هنرمندان خارجی مبدل شده بود. در این شرایط بود که «نقاشی ایرانی تاثیرات اروپایی را تجربه کرد، اثرپذیری از چند طریق صورت گرفت، آثار هنری اروپایی وارد شده به ایران و تماس مستقیم با نقاشان اروپایی مقیم اصفهان، نقاشی ارمنیان ساکن جلفای نو، و آثار نقاشان مکتب گورکانی هند<sup>۲</sup> [...]؛ با اوج شکوفایی مکتب اصفهان به نقاشی‌هایی برمی‌خوریم که در آنها کوشش برای نمایش حجم، عمق، نور و سایه دیده می‌شود. این مقارن است با علاقه روز افزون به موضوعات اروپایی و کاربست رنگ روغنی در نقاشی‌های بزرگ اندازه. بخشی از نقاشی‌های کاخ چهل ستون در این زمره‌اند»<sup>۳</sup>. در این دوران، که تاریخ نقاشی ایران به فرنگی‌سازی یاد می‌شود، نوعی الگوبرداری از آثار ناتورالیستی غربی انجام می‌گرفت که عمدتاً بصورت ناقص اجرا می‌شد ولی تلفیقی از سنت‌های شرقی در آنها نمایان بود. «به طوری که تلفیق سه نوع تکنیک و روش کار شامل نقاشی سنتی، هنر ارمنی و نقاشی اروپایی، نقاشی دوران صفوی را منحصر بفرد و متفاوت

۱. امیلیا نرسیسیانس، «مردم‌نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان»، اصفهان: سمینار مردم‌نگاری هنر <http://www.esfclubs.com/forum/3882>

۲. نقاشی کورگانی، هنر مربوط به امپراطوری گورکانیان (مغولان) هند، که تحت حمایت همایون شاه (میانه سده شانزدهم) آغاز شد، و تحول آن تا زمان محمد شاه گورکانی (نیمه نخست سده هجدهم) ادامه یافت.

۳. نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، ص ۱۳۳-۱۳۲.

از سایر سبک‌های همزمان جلوه می‌داد. این تفاوت به حدی است که تشخیص آثار نقاشی این دوران از دوره‌های قبل و بعد از آن بسیار سهل است.<sup>۱</sup> با وجود این، نفوذ مستقیم هنر اروپایی تنها علت ظهور این موج جدید نبود، بلکه ارتباط با هند و حضور ارمنیان در جلفای نو نیز در این امر تاثیر داشت. بنابراین اعتقاد بر این است که «ارامنه به عنوان پل ارتباطی ایران و اروپا در زمینه‌های تجاری و فرهنگی و... نقش انکار ناپذیری ایفا کرده‌اند».<sup>۲</sup>

### میناس نقاش

میناس زهرابیان (زاغ‌گوق)، مشهور به *میناس نقاش*، یکی از نقاشان برجسته قرن هفدهم است، که آثارش گویای تاکید بر ویژگی‌های سنتی و شرقی، در عین گرایش به اروپایی بودن آنها می‌باشد. تاکنون داستان‌هایی در مورد میناس مطرح شده است. آثار متعددی به او نسبت می‌دهند که در زمان حیات نقاش و سده‌ی هجده اجرا شده‌اند، اما تنها منبع موثق و معتبری که اطلاعات نسبتاً کاملی از میناس ارائه می‌کند کتاب *تاریخ ارامنه آراکل* داوریزتسی<sup>۳</sup> یا تبریزی (درگذشت ۱۶۷۰)، مورخ روحانی ارمنی قرن هفدهم است.<sup>۴</sup> وی در فصل بیست و نهم کتاب خود در باره‌ی چهره‌های فرهنگی و هنری هم عصر خود سخن به میان آورده و جایگاه خاصی را به میناس اختصاص می‌دهد. از نوشته آراکل تبریزی چنین بر می‌آید که «میناس در جلفای نو اصفهان زاده شده و از تبار جلفایی‌ها می‌باشد. پدرش مگردیچ زهرابیان آموزگار مدرسه ارمنیان جلفا بود».<sup>۵</sup> همین‌طور «وقتی تبریزی در ۱۶۲۲ م. کتاب تاریخش را به پایان می‌رساند، میناس در جلفای نو می‌زیسته است».<sup>۶</sup> نظر

۱. حسن کریمیان و مژگان جایز، «تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری»، دو فصلنامه *مطالعات هنر اسلامی*، ش ۷، ۱۳۸۶، ص ۶۵.

۲. ژانت د. لازاریان، (۱۳۸۰)، *هنر معاصر ارمنستان*، تهران: موسسه توسعه هنرهای تجسمی، ص ۱.

3. Arakel Davrizhets

۴. کتاب تاریخ آراکل داوریزتسی در قرن هفدهم نوشته و در زمان حیات او چاپ شده است. چاپ اول در ۱۶۶۹ در آمستردام و چاپ‌های دوم و سوم در سال‌های ۱۸۹۴ و ۱۸۹۶ در ادچیا دزین به چاپ رسیده‌اند.

۵. آندرانیک هوویان، (۱۳۸۸)، *هنرمندان ارمنی ایران*، تهران: فرهنگستان هنر، ص ۹.

۶. مانیا قازاریان، (۱۳۶۳)، *هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸*، ترجمه ادیک گرمانیچ، تهران: هوپک ادگاریان، ص ۲۳.

تبیین جایگاه میناس، نقاش ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران ۹۱

به این‌که در زمان پادشاهی شاه صفی (۱۶۴۲-۱۶۲۹)، میناس، نقاش برجسته و تکامل یافته‌ای شده بود و در همان زمان، آثار بسیار هنرمندانه و باشکوهی را خلق کرده بود، بنابراین به نظر می‌رسد که در آن زمان، «میناس جوانی با سن بیشتر از ۲۰ سال بوده است. لذا می‌توان زمان تولد او را دهه نخست سده‌ی هفدهم میلادی و ربع آخر همان سده را زمان وفات او تخمین زد»<sup>۱</sup>.

آراکل داوریتسی همچنین در مورد استاد نقاش میناس می‌نویسد: «میناس در سفر خود به حلب شاگردی یک نقاش فرنگی احتمالاً ایتالیایی را کرده است و به این طریق اولین نقاشی است که سبک اروپایی را وارد فرهنگ ایرانی کرده است»<sup>۲</sup>. در کتاب هنرمند ایرانی و مدرنیسم نیز پیرامون میناس چنین آمده است: «میناس، از نخستین هنرمندانی بود که شیوه و موضوعات نقاشی اروپایی را به ایران وارد کردند. او در جوانی زیر نظر یک معلم اروپایی، آموزش دید و سپس در جلفای نو اصفهان ساکن شد»<sup>۳</sup>.

میناس دارای شخصیت هنری منحصر به فرد و متفاوتی نسبت به سایر نقاشان هم عصر خود قلمداد می‌شد. «به گونه‌ای که آراکل در جایی از کتاب تاریخ خود میناس را افتخار و سربلندی ملت ایران معرفی می‌کند»<sup>۴</sup>. میناس به طور شگفت‌انگیزی شبیه آنچه را که در معرض دید قرار داشت، سریعاً نقاشی می‌کرد و نکته مهم‌تر این‌که در ترسیم خود، «حالات جسمی و روانی چهره‌ی افراد نظیر شادی، خشم، ناراحتی، هیجان و... را نیز به تصویر می‌کشید»<sup>۵</sup>. او قادر بود که «اشکال را پر تحرک کرده، مجزا از همانندی‌ها، ویژگی‌های سنتی را مورد تاکید قرار دهد و در مواردی به آن گویایی روانشناسانه بخشیده و به شکل خطوط چهره ظرافت دهد»<sup>۶</sup>. همچنین او با حرکات متعادل به بطن اشیا دست یافته، ظرافت عوامل، پوست و پارچه را نشان دهد. «میناس قادر بود انسان چهل ساله را به صورت یک

۱. همان، ۲۹.

۲. مردم‌نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان، سایت اینترنتی <http://www.esfclubs.com/forum/3882> تاریخ بازدید ۱۳۹۱/۵/۱۲.

۳. کامران افشار مهاجر، (۱۳۸۴)، هنرمند ایرانی و مدرنیسم، تهران: دانشگاه هنر، ص ۳۴.

۴. هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸، ص ۲۴.

۵. همان، ص ۲۶.

۶. همان، ص ۳۱.

انسان چهل ساله و یک نوجوان چهارده ساله را به شکل و شمایل جوان چهارده ساله به تصویر بکشد به نحوی که تماشاگر با دیدن تصویر می‌توانست سن موضوع نقاشی را به درستی حدس بزند»<sup>۱</sup>. دو نقاشی چهره منتسب به میناس که در موزه‌ی وانک اصفهان نگهداری می‌شوند (تصویر ۱)، تداعی‌کننده‌ی چهره‌نگاری‌هایی هستند که در قرن هفدهم در جلفای نو سفارش داده می‌شدند. این دو اثر چهره‌ها کوپجان و وسکان ولیجانیان (پدر و فرزند ثروتمند جلفای نو) را به تصویر کشیده است. البته وی غیر از چهره‌نگاری به نقاشی‌هایی با تم‌های مختلف، نگاره‌های طبیعی، مناظر، جانوران و گیاهان نیز می‌پرداخت. و همچنین سعی می‌کرد، به یاری فنون گوناگون به وسیله رنگ روغن یا زغال روی کاغذ، چوب، مس، دیوار و پارچه نقاشی کند. او با استادی تمام، طبق ذهنیات خود نقاشی می‌کرد.<sup>۲</sup> او همچنین «در تزئین کتب نیز مهارت داشت و از طب عامیانه هم آگاه بود و با تمام دقت داروهایی را برای درمان زخم‌ها از گیاهان می‌ساخت»<sup>۳</sup>.

ویژگی‌های خاص آثار میناس باعث شده است تا آنها با آثار هنرمندان هم‌عصر خود متفاوت و در نوع خود منحصر به فرد باشند. «میناس با جا دادن اشکال در وسط تابلو طرح آنها را دقیقاً مورد تأکید قرار می‌داد. رنگ خاکستری زمینه، سیاهی لباس‌ها، سفیدی و سیاهی قبا، نقش‌های ظریف شال کمر با جذابیت و سلیقه‌ی عالی در رنگ‌هایشان، آثار میناس را از سایر آثار نقاشان جلفا متمایز می‌کرد»<sup>۴</sup> (تصویر ۲)

به نظر می‌رسد که سبک میناس در چهره‌نگاری و فضا سازی در سال‌های بعد مورد توجه سایر نقاشان قرار گرفته و شیوه و «تکنیک میناس در آثار آنان به عنوان یک الگو مورد توجه قرار گرفته و توسط آنان تکرار شده است»<sup>۵</sup>. به عبارت دیگر، «این روش چهره‌نگاری با روشنی و سادگی تزئینی رنگ‌ها و گویایی متعادل و درون‌گرایی روحی در هنر ارمنی سال‌های بعد ادامه پیدا کرد»<sup>۶</sup>. کما این‌که نقاشانی چون هوهانس مرکوز در همان

۱. لئو، (۱۹۶۹)، مجموعه اثر، ج ۲، ایروان: هایاستان، ص ۴۳۱.

۲. هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸، ص ۲۶.

۳. لئون میناسیان، «استاد میناس نقاش مشهور جلفا»، مجله هنر و مردم، ش ۱۷۹، ۱۳۵۶، ص ۲۹-۳۰.

۴. هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸، ص ۳۱.

۵. همان، ص ۳۱.

۶. همان.



تبیین جایگاه میناس، نقاش ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران ۹۳

عصر، پیگیر چنین شیوه‌ای بودند. «در نیمه نخست سده‌ی هفدهم، گذری از مینیاتور به نقاشی روی پارچه ضخیم چارچوب شده در هنر نقاشی جلفای نو مشاهده می‌شود. از سوی دیگر تاثیر عمیق نقاشی اروپایی را نیز می‌بینیم که خصیصه‌های محدود اصول ابداع دورنماها، روشنایی، اندازه‌ها و ترکیب‌ها را با خود به ارمغان می‌آورد.»<sup>۱</sup> این ویژگی‌ها، با تاثیر از سبک میناس و عقاید هنری‌اش در آثار هنری مرکوز نیز دیده می‌شود. بسیاری از نقاشی‌ها و تزیینات دیوارهای کلیسای وانک از آثار ارزشمند هوهانس مرکوز است؛ به طوری که تبحر، هنر و استعداد او سبب تحسین بازدیدکنندگان از کلیسای وانک می‌شود. یکی از این آثار مهم و مشهور، «پرده چشم بی‌خواب» می‌باشد.

بر روی دیوار سمت راست سکوی این کلیسا، مسیح کودک روی صلیب خوابیده و مریم مقدس نزد او نشسته است (تصویر ۳). تصویری متواضع و پیکری با رنگ و روی ارمنی که خداوند متعال، از درون ابرهای سفید، آنان را تقدیس می‌کند. در این تصویر، شمعدان، نیزه، میخ‌های تصلیب (ابزار شکنجه‌های بعدی مسیح) دارای جا و مکان مخصوص می‌باشند. این ترکیب با نام «چشم بی‌خواب» معروف است که در سده‌ی پانزده میلادی بوجود آمده و سپس در اروپا و روسیه گسترش بسیار یافته است. در نمونه‌های اولیه‌ی آن، فرشته‌های بزرگ میکائیل و جبرائیل، که بعدها جایشان را به مریم دادند، ظاهر می‌شوند. هوهانس مرکوز با استفاده از ترکیب‌های همانند، واریانت ارمنی را خلق می‌کند و مریم را وارد صحنه می‌کند و نیز در سمت چپ نقاشی دستمالی را با چهره گویا و راسخ مسیح به تصویر می‌کشد. در زیر دستمال، یک راهب زانو زده و دعا می‌کند که طبق روایات، خود هوهانس مرکوز می‌باشد. نکات قابل توجه در این نقاشی، زیبایی ظرافت چهره و دست‌های مریم و بدن مسیح، حالت مادی اشیا، سیاهی غلیظ شنل و کلاه مخصوص مرکوز و دستان دراز کرده به سمت مسیح و همچنین چهره مختص به خود مرکوز با بینی شاهین مانند و ریش سفید، ابروان و چشمان سیاه، می‌باشند.

در روایتی تاریخی آمده است که روزی شاه عباس صفوی هنگامی که در خانه‌ی خواجه سافراز فرزند خواجه ناظار (همان کسی که خیابان اصلی جلفا یعنی خیابان نظر به اسم او است) مهمان بوده است. شاه متوجه نقاشی‌های بسیار زیبای دیوارها می‌شود و از

صاحب مجلس سراغ نقاش را می‌گیرد. میناس به خواست شاه در مجلس حاضر می‌شود. شاه عباس از او می‌خواهد تا تصویر *چهارز خان* یکی از ملازمان بسیار زشت روی او را نقاشی کند. همه حضار متوجه شیطنت شاه می‌شوند. *چهارز خان* نیز در تمام مدت نقاشی دست از لودگی و شکلک در آوردن بر نمی‌دارد تا حواس نقاش را بیشتر منحرف کند اما غافل از این که نقاش به واسطه‌ی همین رفتار او بهتر می‌توانسته به عمق خطوط چهره‌ی او پی ببرد. در خاتمه‌ی کار، حضار نتوانستند حیرت خود را از شباهت بی‌حد و حصر تصویر از چهره‌ی *چهارز خان* پنهان کنند. همین واقعه باعث شد تا میناس، پا را از دایره‌ی محدود ارامنه بیرون گذاشته و با نقاشی در خانه‌های اعیان و اشراف وارد جامعه‌ی بزرگ‌تر شده و به شهرت برسد. معروف است که شاه به خاطر نقاشی فوق‌العاده زیبا (از موضوع یک باز و نگهبانش)، میناس را مورد تفقد قرار می‌دهد و به او دوازده تومان انعام و یک خلعت اهدا می‌کند. به غیر از این می‌خواهد او را به مقام سربازان دربار برساند تا به این بهانه، به او حقوق بدهد. میناس این افتخار را نمی‌پذیرد و ترجیح می‌دهد به عنوان یک نقاش ساده در مدرسه خود، شاگردان هنرمند تربیت کند و مانند گذشته با تزئین دیوارهای خانه‌های ثروتمندان زندگی بگذراند.<sup>۱</sup>

متأسفانه به جز چند اثر منتسب به میناس، از آثار نقاشی او چیزی باقی نمانده است. یکی از موارد، «کتیبه‌ای است که هنگام تعمیر گنبد کلیسای بتلهم جلفای نواصفهان، در ۱۹۷۰ م. یافت شده که، نام چند نقاش از جمله میناس، ماردیروس<sup>۲</sup> و آسدوازادور<sup>۳</sup> که نقاشی دیوارهای کلیسا را به عهده داشته‌اند، نوشته شده است»<sup>۴</sup>. (تصویر ۴)

پس از آن که میناس از حلب به اصفهان بازگشت، با توجه به شهرت او در نقاشی، ثروتمندان جلفای نو در تزئین خانه‌ها و عمارت‌های خود او را دعوت کردند. همچنین در ترسیم نقاشی‌های برخی کلیساها نیز میناس حضور داشته است. آثار به جا مانده از برخی

۱. مردم نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان، سایت اینترنتی <http://www.esfclubs.com/forum/3882>

۱۳۹۱/۵/۱۲

2. Mardirous

3. Astvazadour

۴. هاروون درهوهانیان، (۱۳۷۹)، *تاریخ جلفای نو*، ترجمه لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی،

اصفهان: زنده رود، ص ۵۶۷.

تبیین جایگاه میناس، نقاش ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران ۹۵

از این عمارت‌ها و کلیساها، که برخی از آنها در طول زمان لطافت خود را از دست داده‌اند و نیز برخی آثار دیگر که سارکیس خاچاتوریان<sup>۱</sup> کپی‌بردار مشهور ارمنی از روی آنها کپی‌برداری کرده بود، قابل انتساب به میناس می‌باشند. در کتیبه‌ی کلیسای بتلهم، آمده «تصاویر را میناس و ماردیروس و گل بته‌های آن را آسدوازادور نقاشی کرده‌اند».<sup>۲</sup>

بدین ترتیب، با توجه به این‌که میناس در نقاشی این کلیسا مشارکت داشته به احتمال زیاد نقاشی‌های خانه خواجه پطرس نیز از مجموعه آثار منتسب به او به شمار می‌روند: «یکی از خانه‌های مشهور جلفای نو، خانه‌ی خواجه پطرس، از رجال سرشناس ارمنی عصر صفوی، بود. خانه‌ی خواجه پطرس شباهت زیادی به خانه اعیان اصفهان در عصر صفوی دارد به طوری که نمای درونی آن از نمای بیرونی زیباتر است. نام میناس در کتیبه‌ای در خانه‌ی خواجه پطرس به چشم می‌خورد».<sup>۳</sup> در این کتیبه، آمده: «در زمان رهبری هاکوپ، جاثلیق مقدس، به سال ۱۶۶۸م مرمت خانه به دست ماتئوس میناس صورت گرفته. آرزوی من این است که شما دوستان هنگام دیدن و لمس کردن این نقاشی‌ها، ماتئوس و والدین و پدر و خواجه پطرس و نزدیکان او را به یاد آورید. در آن زمان، نقاشان دیگری از جمله هوهانس مرکوز، هاکوپجان، خواجه استپانوس که احتمالاً در کشیدن نقاشی‌های خانه خواجه پطرس مشارکت داشته‌اند».<sup>۴</sup>

---

۱. سارکیس خاچاتوریان (۱۹۴۷-۱۸۸۶) هنرمند ارمنی از تاثیرگذاران و طرفداران نقاشی مدرن در قرن بیستم بود. نقاشی‌ها و فعالیت‌های هنری او در تحول نقاشی ایران، تاثیرات بسیاری گذاشته است. او در شهر مالاتیا در ارمنستان غربی بدتیا آمده بود و در مدرسه‌ی ساناساریان ارزروم تحصیل کرده بود. البته بنا به قول یکی از شاگردانش او در تبریز به دنیا آمده و تحصیلات نقاشی را در رم سپری کرده است. وی با توصیه پروفیسور آرتور یوپ، به دعوت دولت وقت ایران مابین سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۲۹ به اصفهان می‌آید تا نقاشی‌های کاخ‌ها و آثار باستانی اصفهان را مرمت و کپی‌برداری کند. او در کاخ چهل‌ستون اصفهان به بازسازی نقاشی‌های (با رنگ روغن) و هم چنین کپی‌برداری از آن‌ها می‌پردازد. آثار تعمیرات خاچاتوریان در دوره‌های بعدی از روی نقاشی‌های چهل‌ستون پاک شده است.

۲. استاد میناس نقاش مشهور جلفا، ص ۳۰.

۳. سیدروح الله سیدالعسگری، «خانه خواجه پطرس»، فصلنامه فرهنگی پیمان، ش ۴۰، ص ۱۰، ۱۳۸۶، ص ۳۵.

۴. همان، ص ۳۵.

آراکل در کتاب تاریخ خود، برای نمونه، تزئینات خانه سافراز را ذکر می‌کند که کار میناس بوده و بیان می‌کند که «شاه صفی صفوی نخستین بار کار میناس را در خانه خواجه سافراز مشاهده و از میناس برای تزئین کاخ‌های خود دعوت کرده است».<sup>۱</sup> در بایگانی کلیسای وانک، سندی از شاه صفوی درباره میناس وجود دارد. مضمون سند حاوی اخطار شاه صفی (۱۶۴۲-۱۶۱۱) به میناس و دعوت او به ادامه‌ی کار است که نقاشی یکی از کاخ‌های شاه (کاخ چهل ستون اصفهان) را نیمه‌کاره رها کرده و دست از کار کشیده بود.<sup>۲</sup> (سند ۱).

«حکم عالی شد آنکه مسموع شد که نادرالعصری استاد میناس نقاش دست از کار اینجانب کشیده و جهت دیگران نقاشی می‌کند و در باب تعلیم سعادت نصاب استاد رضا تغافل و تکاهل نمایند می‌باید که نوعی ننمایند که باعث خجالت و شرمندگی ایشان شود و آنچه لازمه سعی و کوشش باشد به عمل آورند که فردا عذر مسموع نخواهد شد و اگر من بعد اثر تغافل و کاهلی او ظاهر می‌شود بعرض نواب همایون اعلی رسانید ایشانرا با خانه کوچ بدین صوب خواهد آورد. غرض که دیگر تقصیری ننموده تخلف جایز ندارد و در عهده شناسد.» مهر: بنده شاه نجف شاهوردی. در این حکم از استاد میناس به عنوان نادرالعصری نام برده شده است و این نشان از ارزش و جایگاه خاص او در دربار و جامعه هنری آن دوره بوده و حکایت از اجرای آثار منحصر بفرد توسط او می‌باشد.

میناس علاوه بر نقاشی‌های متعددی که در خانه‌های خواجه‌های ارمنی و کلیساهای مختلف انجام داده شاگردانی را نیز تربیت نموده، که برخی از آنها خود در نقاشی ایران دارای تأثیرات بسیار زیادی بودند. «میناس در منزل خود مدرسه نقاشی دایر کرده بود و به تعلیم نقاشی در دو سبک مینیاتور و نقاشی فرنگی مآب می‌پرداخت و شاگردانی را نیز در این دو زمینه تربیت نموده است».<sup>۳</sup> یکی از این نقاشان استاد رضا عباسی نقاش مشهور عهد صفوی است که دستیار میناس بوده و شاگردی او را کرده است: «او تحت تأثیر

1. Arakel Davrizhets (1988), *Badmootium, Targ*, Modern Eastern Armenian Translation by: Varag Arakelean, Yerevan: Sovedakan Gerogh, P:286

۲. اصل سند به شماره ۱۱، در بایگانی موزه کلیسای وانک اصفهان موجود است.

۳. امیلیا نرسیسیان، «تأثیر تجارت بر توسعه هنر نقاشی جلفای اصفهان در عصر صفوی»، نشریه جامعه

شناسی هنر و ادبیات، س ۳، ش ۲، ۱۳۹۰، ص ۶۹.

تبیین جایگاه میناس، نقاش ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران ۹۷

نقاشان درباری نظیر فیلیپس آنجل، وان هسلت هلندی و یان لوکاس بود و هم از طریق کارکردن با میناس، با اسلوب نقاشی فرنگی آشنا شده بود.<sup>۱</sup> در سند اخیر- که تنها منبع قابل اسناد ولی معتبر محسوب می‌شود - به استاد میناس تاکید شده است که در تعلیم و تربیت استاد رضا تغافل ننماید. این نکته ثابت می‌کند که استاد رضا مدتی نزد استاد میناس تعلیم دیده است؛ ولی نکته جالب توجه دیگر این است که در حکم اشاره شده از رضا نیز به عنوان استاد نام برده شده است. لذا چنین به نظر می‌رسد که رضا عباسی در دوره میناس، خود مسند استادی داشته ولی حضور در مکتب میناس و فعالیت در جوار ایشان ضرورت داشته است.

همچنین جایگاه میناس در بین سایر نقاشان عهد صفوی، به حدی بود که محمدبیک از وزیران سرشناس شاه عباس دوم صفوی (۱۶۶۶-۱۶۳۳)، در حکمی به همه‌ی نقاشان ابلاغ می‌کند که تابع میناس باشند و از دستورات او پیروی کنند.<sup>۲</sup> این حکم را خواجه سافراز نیز که یکی از تجار مشهور جلفا بوده، مهر کرده است.<sup>۳</sup> (سند ۲).

«... (حرف اول را موش خورده و معلوم نیست) بنا بر راستی و نیک نفسی نادرالعصری استاد میناس جلفایی که جماعت نقاشان جلفایی استاد میناس مذکور را استاد و ریش سفید خود دانسته از سخن و صلاح ... مومی الیه بیرون نروند و استاد میناس مذکور را استاد... خود دانسته از سخن و صلاح مومی الیه بیرون نروند و از حرف مومی الیه تجاوز نمایند.» در این سند نیز استاد میناس به نادرالعصری و نیک نفسی مطرح شده است.

دوره‌ی صفویان، یکی از پرتحول‌ترین دوره‌های تاریخ ایران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، بازرگانی و فرهنگی به‌شمار می‌رود. میناس به عنوان هنرمندی تاثیرگذار توانست نقش مهمی در این عصر ایفا کند و در کنار سایر افراد موثر، تحولاتی را در هنر نقاشی بوجود آورد. همان‌گونه که اشاره شد، از ابداعات و تاثیرگذاری‌های میناس در نقاشی ایران قرن هفدهم، گذر از مینیاتور به نقاشی روی پارچه (بوم) و بزرگ اندازه می‌باشد که در نقاشی جلفای نو مشاهده می‌شود. همچنین تلفیق نقاشی اروپایی و تاثیر آن

۱. همان، ص ۷۱.

۲. اصل سند به شماره ۱۰، در بایگانی موزه کلیسای وانک اصفهان موجود است.

۳. لئون میناسیان، «ذکر رضا عباسی در اسناد ارمنی»، مجله آینده، س ۷، ش ۹، ۱۰، ۱۳۶۰، ص ۷۳۶.

در نقاشی ایران در همان دوره، در آثار میناس مشاهده شده است. همان دوره «شماری از نقاشان ایرانی کوشیدند با استفاده از عناصر و ویژگی‌های اروپایی و هندی آثاری متفاوت از مکتب اصفهان پدید آورند. مسلماً اینان در اسلوب رنگ روغنی مهارت کافی نداشتند. شاید اجرای پرده‌های بزرگ اندازه به نقاشان خارجی مقیم اصفهان و یا نقاشانی چون میناس سپرده می‌شد»<sup>۱</sup> از خصوصیات این نوع نقاشی، ابداعات دورنماها، روشنایی و نور، تغییر در اندازه‌ها و ترکیبات جدید می‌باشد. «میناس را جزو نقاشان تاثیرگذاری باید دانست که نقاشی را به طور تخصصی و حرفه‌ای و متناسب با مفهوم زمانه مطرح می‌کنند»<sup>۲</sup>. تلاش او باعث شده است تا نقاشی با زندگی مردم آمیخته شود و یا اصلاً زندگی بدون حضور نقاشی، خالی و بی‌معنی جلوه نماید.



۱. نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، ص ۱۳۴.

۲. هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸، ص ۳۱.

## نتیجه

یکی از تحولات مهم در تاریخ نقاشی ایران را می‌توان در قرن هفدهم در جلفای اصفهان، جستجو کرد. دوره‌ای که به جهت ایجاد ارتباطات وسیع تجاری و فرهنگی بین ایران و اروپا از طریق تجار ارمنی، فضای جدیدی در نقاشی ایران به وجود آمد و تلفیقی از نقاشی سنتی، ارمنی و اروپایی شکل گرفت. اصفهان در عهد صفوی، شاهد چنین تحولی در نقاشی ایران بود. طبق اسناد موجود، میناس زهراییان، اولین نقاش توانمند ارمنی است که نقاشی اروپایی را وارد نقاشی ایران کرد. توانمندی او در کار با رنگ‌روغن در بوم‌های بزرگ اندازه، چهره‌نگاری‌های متفاوت با ارائه شخصیت‌پردازی‌های روان‌سازانه، تاکید بر سایه روشن و پرسپکتیو و سه‌بعدی بخشیدن به تصویر و نهایتاً جنبه عینی و زمینی بخشیدن به تصویر، آثار او را با نقاشان دوره‌های قبل و نقاشان هم‌زمان خود، متفاوت می‌کرد. چنین به نظر می‌رسد که شاید یکی از مهمترین تأثیرات میناس در تاریخ نقاشی ایران، تعلیم استاد رضا عباسی، نقاش نامی ایران باشد، بطوری‌که اسلوب نقاشی رنگ‌روغن را رضا عباسی از برخی نقاشان خارجی و هنگام کار با میناس فراگرفته بود. میناس در قرن هفدهم، نقاشی منحصر به فرد بود که هنر خود را به صورت حرفه‌ای و متناسب با نیاز جامعه و مفهوم زمان اجرا می‌کرد. به همین جهت، در دوره مورد اشاره با تلاش او نقاشی وارد زندگی خصوصی مردم شد و جایگاه ویژه‌ای در زندگی فردی و اجتماعی پیدا کرد. حضور نقاشی در خانه‌ها، به عنوان عنصری لاینفک در زندگی انسان، یکی از برجسته‌ترین تأثیرات نقاش در جامعه ایرانی محسوب می‌شود.



تصویر ۱- چهره‌نگاری وسکان ولیجانیان و هاکوپجان ولیجانیان، میناس، موزه وانک جلفای نو اصفهان.

ماخذ: قازاریان، ۱۳۶۳: ۸۳

۱۰۰ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۲۰



تصویر ۲- نقاشی داخل کلیسا که تصور می‌شود، کار میناس باشد.

ماخذ: میناسیان، ۱۳۵۶: ۲۸

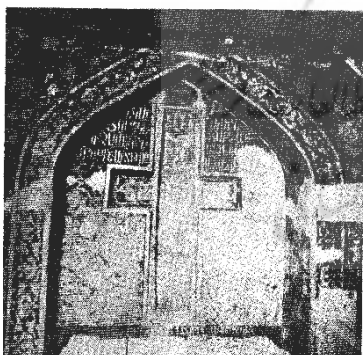
تصویر ۳- تابلوی چشم بی خواب، هوهانس مرکوز، کلیسای وانک، جلفای نو، اصفهان.

ماخذ: قازاریان، ۱۳۶۳: ۸۴



تصویر ۴- کتیبه کلیسای بتلهم که نام میناس در آن نوشته شده است.

ماخذ: میناسیان، ۱۳۵۶: ۲۹



پروژه: نگاه علوم انسانی و  
پرتال جامع علوم



تبیین جایگاه میناس، نقاش ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران ۱۰۱

سند ۱- مدرک شماره ۱۱، موزه

وانک، اصفهان،

ماخذ: میناسیان، ۱۳۶۰: ۷۳۷

حکم علاء  
 لکه چون سمنوخ که نادر العصر است  
 میناس نقاش دست کارهای گشته بده و چه کرد از خاک  
 و در بابت سیم از صاحب استوار رضا نقاشی که اهل کربلا  
 می بار که در بخت کربلا با او نجات و نجات کربلا  
 اللهم سر و گوشش بدو بعد از آنکه از نادر فرود آمد و سرش بر خاک  
 می برد از نقاشی و کمال او ظاهر شود و می نویسد  
 این را با خاکی که در بخت کربلا با او نجات  
 نمک جا زرد و در بخت کربلا

سند ۲- مدرک شماره ۱۰،

موزه وانک، اصفهان،

ماخذ: میناسیان، ۱۳۶۰:

۷۳۶

بنت نیا بر او  
 نقاشی که در بخت کربلا با او نجات  
 و در بخت کربلا با او نجات

و استاد میناس با کلمات و با سخنان خود در این کتاب

پیرنیز و از طرفی و از آنجا که



### فهرست منابع و مأخذ

- افشار مهاجر، کامران، (۱۳۸۴)، *هنرمند ایرانی و مدرنیسم*، تهران: دانشگاه هنر.
- پاکباز، رویین، (۱۳۸۶)، *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، تهران: زرین و سیمین.
- حسینی راد، عبدالمجید، (۱۳۸۴)، *شاهکارهای نگارگری ایران*، تهران: موزه هنرهای معاصر تهران.
- دروهانیان، هاروون، (۱۳۷۹)، *تاریخ جلفای نو*، ترجمه لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی، اصفهان: زنده رود.
- سیدالعسگری، سید روح الله، (۱۳۸۶)، «خانه خواجه پطرس»، *فصلنامه فرهنگی پیمان*، س ۱۰، ش ۴۰، ص ۱۶۷-۱۵۹.
- قازاریان، مانیا، (۱۳۶۳)، *هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸*، ترجمه ادیک گرمایک، تهران: هوپک ادگاریان.
- قوکاسیان، هراوند، (۱۳۵۲)، «هنر و فرهنگ ارمنه ایران»، *مجله ارمنان*، ش ۵، ص ۳۵۱-۳۴۸.
- کریمیان، حسن و مژگان جایز، (۱۳۸۶)، «تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری»، *دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی*، ش ۷، ص ۸۸-۶۵.
- لازاریان، ژانت د. (۱۳۸۰)، *هنر معاصر ارمنستان*، تهران: موسسه توسعه هنرهای تجسمی.
- لازاریان، ژانت د. (۱۳۸۲)، *دانشنامه ایرانیان ارمنی*، تهران: مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها - هیرمند.
- لئو، (۱۹۶۹)، *مجموعه اثر، ج ۲*، ایروان: هایاستان.
- میناسیان، لئون، (۱۳۵۶)، «استاد میناس نقاش مشهور جلفا»، *مجله هنر و مردم*، ش ۱۷۹، ص ۳۰-۲۸.
- میناسیان، لئون، (۱۳۶۰)، «ذکر رضا عباسی در اسناد ارمنی»، *مجله آینده*، س ۷، ش ۹، ص ۱۰، ص ۷۳۷-۷۳۴.
- نرسیسیانس، امیلیا، (۱۳۸۵)، «مردم نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان»، *در: اصفهان: سمینار مردم نگاری هنر؛ سایت اینترنتی www.esfclubs.com* تاریخ بازدید: ۱۳۹۱/۵/۱۲.
- نرسیسیانس، امیلیا، (۱۳۹۰)، «تاثیر تجارت بر توسعه هنر نقاشی جلفای اصفهان در عصر صفوی»، *نشریه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، س ۳، ش ۲، ص ۷۱-۵۳.
- هوویان، آندرانیک، (۱۳۸۰)، *ارمنیان ایران*، تهران: مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها - هرمس.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸)، *هنرمندان ارمنی ایران*، تهران: فرهنگستان هنر.

لاتین:

- Davrizhets Arakel, (1988), *Badmootiun, Targ*, Modern Eastern Armenian Translation by: Varag Arakelean, Yerevan: Sovedakan Gerogh.